

زندگانی علی بن الحسین علیه السلام

چهره‌های
معصومین علیهم السلام

دکتر سید جعفر شهیدی



به نام خدا

ادیب نامدار، نویسنده توانا و مورخ بزرگ، دکتر سیدجعفر شهیدی، یکی از مفاخر تاریخ علم و ادب اسلام و ایران است. دکتر شهیدی آثار گرانمایی در حوزه تاریخ و سیره معصومین علیهم السلام از خود به یادگار نهاد که در جامعه مخاطبان ایرانی و غیر ایرانی خود فوق العاده تأثیرگذار بوده است، به گونه‌ای که بعضی از آثار او تا کنون دهها بار به چاپ رسیده است.

یکی از افتخارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، این است که دکتر شهیدی در زمان حیات خود، نشر بخش قابل توجهی از آثار خود را به دفتر نشر فرهنگ اسلامی سپرد و این مسئولیت افتخار انگیز ما را بر آن داشته است که اینک مجموعه‌ای از آثار ایشان را در یک بسته فرهنگی به دوستداران اسلام و اهل بیت پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله تقدیم کنیم.

این آثار، در عین برخورداری از ژرفای علمی، با زبانی سلیس، به مطالب اصلی و غیر حاشیه‌ای پرداخته و به همین دلیل با استقبال وسیع خوانندگان روبه‌رو شده است.

از درگاه خداوند بزرگ، علو درجات روح بلند مرحوم دکتر سیدجعفر شهیدی را درخواست می‌کنیم و ضمن ارج نهادن به یاد و خاطره آن نویسنده سترگ، از خدا می‌خواهیم که ما را در راه نشر آثار چنین مردان نامداری موفق و سرافراز فرماید.

چنین باد

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

فهرست مطالب

۱۱..... مقدمه

گزارشی از وضع تدریس اصول عقاید در مکتب‌خانه‌های قدیم. نارسایی در شناساندن مقام امامت.

۱۵..... فصل ۱

توضیحی درباره لقب‌های امام علی بن الحسین علیه السلام. نام‌هایی که برای مادر امام نوشته‌اند شهربانو. نقد روایت بصائرالدراجات و اصول کافی. نقد حدیث اختیار قریش از بین مردمان. نقد صاحب عمدة الطالب بر داستان شهربانو. روایت سهل بن قاسم نوشجانی. دختران یزدگرد که به خانه‌های بنی تمیم، بنی عدی و بنی مروان رفته‌اند. حریش بن جابر و مأموریت نیافتن او در خراسان. سرانجام مادر امام علیه السلام.

۳۵..... فصل ۲

تولد امام علیه السلام. نقد روایت‌ها، قرینه‌هایی که مغایر نظر مشهور است. نقد روایت کامل مبرد در مورد چشمه ابونیزر.

۴۳..... فصل ۳

وضع ایالت‌های مسلمان‌نشین در دوران نوجوانی امام علیه السلام. گروه‌های مذهبی. مذهبی سیاسی. سودجویان. دشمنی عراقی و شلمی و ریشه آن. نامه‌نگاری عراقیان به امام حسین علیه السلام.

۵۳..... فصل ۴

حرکت کاروان از حجاز به عراق. امام علی بن الحسین علیه السلام همراه کاروان. حادثه‌های روز دهم محرم سال ۶۱. امام علی بن الحسین در کوفه. در کاخ پسر زیاد. گفتگوهای امام و زینب کبری با پسر زیاد. نقد روایت‌های بی‌اساس در مورد حضور امام در کوفه. پشیمان شدن کوفیان و اظهار آمادگی برای قیام. توبیخ مردم از سوی امام.

فصل ۵..... ۶۵

مسیر کاروان از کوفه به شام. نقد گفته بعضی مقتل نویسان. نقد شعرهای منسوب به امام چهارم

فصل ۶..... ۶۹

تحلیلی از روحیه مردم شام. پندار آنان درباره اسیران. گفتگوی مرد شامی با امام. گفتگوی پسر طلحه با او.

فصل ۷..... ۷۳

خاندان پیغمبر در کاخ یزید. گفتگوی یزید با امام و بعضی اسیران. تحلیلی از وضع مجلس. خطبه امام در مسجد دمشق. متوجه شدن یزید به وخیم بودن اوضاع و بازگرداندن اسیران.

فصل ۸..... ۸۳

انعکاس حادثه کربلا در کوفه. اعتراض عبدالله بن عقیف بر پسر زیاد. سودجویی پسر زبیر از حادثه کربلا. فرستادن والی مدینه گروهی را به دمشق. تحلیلی از زندگانی یزید. ناآشنا بودن او به حوزه‌های اسلامی. نداشتن تربیت اجتماعی. ناراضی برگشتن نمایندگان به مدینه. شورش در مدینه. درگیری در حرّه واقم. پایان درگیری به سود مسلم بن عقبه. قتل عام در مدینه. موقعیت امام چهارم در روزهای آشوب. پناه دادن به خاندان مروان بن حکم. به عهده گرفتن هزینه خانواده‌هایی در روزهای آشوب. رفتار مسلم بن عقبه با امام. نقد نوشته تاریخ نویسان.

فصل ۹..... ۹۳

آثار وقعه حرّه در مدینه. سکوت مردم حجاز. تحلیلی از روحیه مردم در آن دوره. عراق و شیمانان. پایان کار پشیمانان. مختار و بهره‌گیری او از حوادث. عبدالملک بن مروان و پیروزی او. انحطاط وضع اخلاقی در عصر عبدالملک. انحطاط اخلاق در مدینه. خنیاگران مدینه و مکه. شاعران جاهلوس. شاعران دیندار. وضع امام چهارم برابر چنان اجتماع.

فصل ۱۰..... ۱۱۳

عبدالرحمن. نمونه برجسته این دسته. تربیت عملی امام از اجتماع آن روز. رفتار او با غلامان و کنیزان. رفتار او با مردم. حرمت او در دیده مردم. فرزاد و قصیده او. نقد تاریخی و ادبی این قصیده. سخنی کوتاه درباره فرزاد.

فصل ۱۱..... ۱۳۹

بزرگواری امام در برخورد با نادانان و تربیت آنان از این راه. گذشت او از هشام بن اسماعیل. رفتار ایشان با مرد مسخره. وام گرفتن و پرزه ردا را به گرو گذاشتن.

فصل ۱۲..... ۱۴۳

عبادت امام. گفتگوی طاوس یمانی با امام. گفته زهری درباره امام. گفته سعید بن مسیب. مناجات‌های امام. ابو حمزه و ملاقات او با امام. آیا امام از مدینه به کوفه آمده؟

فصل ۱۳ ۱۵۱

بخشش امام، عهده‌دار شدن هزینه خانواده‌هایی در مدینه، بخشش‌های پنهانی، اطعام به مستمندان.

فصل ۱۴ ۱۵۵

بردباری در برابر ناملايمات، بخشیدن مزرعه به غلام خطاکار، آزار نرساندن به شتر در سفر.

فصل ۱۵ ۱۵۹

نپرداختن به غیر مسائل علمی و عبادت، گفته حسن بن حسن درباره او، حرمت نهادن به عالمان، زهری و مشکل فقهی او و گشودن امام آن مشکل را.

فصل ۱۶ ۱۶۱

گفتارهای کوتاه امام.

فصل ۱۷ ۱۶۳

رسالة حقوق، شرح‌دهندگان این رساله، ترجمه‌کنندگان آن متن رساله با ترجمه آن.

رسالة حقوق ۱۷۳

صحیفه سجادیه و بحثی درباره آن.

ترجمه رساله برابر ضبط صدوق در خصال ۱۷۷

قرآن به خط امام علی بن الحسین علیه السلام، نقدی بر قرآن‌های مشهور به خط امامان علیهم السلام.

صحیفه سجادیه ۱۹۱

رحلت امام، اختلاف روایت‌ها در این باره، فرزندان امام.

قرآن به خط امام علی بن الحسین علیه السلام ۱۹۵

مقدمه

يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ^۱

نویسنده در دوران کودکی توفیق درس خواندن در مدرسه‌های جدید را نداشته است. چرا و موجب چه بود؟ این مقدمه جایی برای چنین بحثی ندارد. و نیز این که باید از چنان پیشامدی متأسف یا خشنود بود، موردی ندارد و هرچه بود گذشته است. در نتیجه نمی‌داند دبستان‌های دولتی پنجاه، شصت سال پیش درسی برای یاد دادن اصول اعتقادات و مذهب و شناساندن پیشوایان دین داشته یا نه؟ و اگر داشته آن درس‌ها چگونه بوده است؟

ما بچه‌های مکتب سی تا پنجاه نفر — از پنج‌ساله تا هجده‌ساله — زیر سقفی هشت ذرع در سه تا چهار ذرع جمع می‌شدیم و درس می‌خواندیم، یا بهتر بگوییم روز می‌گذراندیم. ضمن خواندن سوره‌هایی از قرآن و کتاب‌هایی از قبیل عاق والدین، گرگ و روباه، سنگ‌تراش، مکتب رفتن امام حسن و امام حسین، داستان طال لعین، جنگ علی علیه السلام با جنیان در بن‌العلم، اصول دین و مذهب را هم تعلیم می‌گرفتیم. امامان خود را هم باید می‌شناختیم. اما این درس‌ها را چگونه و در چه حدی فرا می‌گرفتیم، داستانی است جالب که اگر فرصتی یافتیم و نوشتیم به خواندن آن می‌ارزد.

در اینجا به مناسبت مقدمه کتاب حاضر نمونه‌ای اندک یا مثنی از خروار را می‌نویسم.

درس اصول دین چنین آغاز می‌شد:

- توحید بر چند قسم است؟

- بر دو قسم است: توحید ذاتی و توحید صفاتی.

اما اگر کسی می پرسید ذات و صفات چیست و فرق این دو کدام است؟ هیچ کدام نمی دانستیم. پس از گذشت بیش از نیم قرن بر آن روزگار، باید بگویم عمق معلومات متعلم کمتر از معلم نبود. آنچه معلم می دانست همان بود که به ما یاد می داد و آنچه ما از بر می کردیم همان بود که او می دانست.

حداقل هفته ای یک بار باید درس های دینی را امتحان می دادیم. معلم یا جانشین وی که او را خلیفه می گفتیم درس ها را از تک تک ما می پرسید و ما همان جمله ها را که از روی نوشته یا گفته به خاطر سپرده بودیم، بازگو می کردیم و یا به اصطلاح آن روز مکتب خانه، درسمان را پس می دادیم.

- خدا چند تاست؟

- یکی است.

- چرا یکی است؟

- چون اگر دو خدا باشد با هم می جنگند و ناچار خدای توانا، خدای ناتوان را خواهد کشت. و باز اگر کسی می پرسید چرا این دو خدا باید با هم جنگ کنند، نه شاگرد جوابی داشت و نه استاد!

پس از پایان بحث خداشناسی، نوبت به پیغمبر و امامان می رسید:

- امام اول؟

- مرتضی علی

- امام دوم؟

- امام حسن

- امام سوم؟

- امام حسین

- امام چهارم؟

- امام زین العابدین